

فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه
سال نوزدهم، بهار ۱۳۹۷، شماره ۳۶

بررسی انواع روابط بینامتنی اشعار احمد عزیزی و قرآن کریم*

فرنگیس شاهرخی^۱

دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام رضا(ع)

دکتر اسماعیل صادقی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر محمدرضا سنگری

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دزفول

چکیده:

بررسی تأثیرپذیری شاعران از متون دیگر، از جذاب‌ترین مقوله‌های نقد ادبی است. شعر عزیزی از رهگذر تأثیرپذیری از قرآن و سرشار بودن از پشتوانه‌های قرآنی از عناصر و مناسبات بینامتنی فراوانی برخوردار است که با توجه به رویکرد بینامتنیت قابل مطالعه است. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تطبیقی در صدد بوده‌ایم تا به بررسی وجوه همسانی و تأثیرپذیری عزیزی از قرآن کریم و چگونگی بازتاب واژه‌ها، تعبیرات، ترکیبات، مفاهیم و مضامین قرآن کریم در شعر او بپردازیم و سرانجام به این نتیجه دست یافته‌ایم که از میان انواع روابط میان‌متنی، رابطه اشعار وی با قرآن کریم از نوع درون‌نشانه‌ای، درون-فرهنگی، بینامتنی قوی و درزمانی است و از حیث فنی و هنری دارای رابطه کامل متنی، کامل تعدیلی، جزئی، واژگانی، مفهومی و تلمیحی است. از این میان، رابطه واژگانی و تلمیحی بارزترین نوع هم‌حضور دو متن مورد بررسی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، احمد عزیزی، بینامتنیت، شعر انقلاب اسلامی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۵/۲۴

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: f.shahrokhi10@yahoo.com

مقدمه

متن‌های ادبی از رهگذر نقل قول‌ها و تأثیر و تأثرات آشکار و پنهان و جذب مؤلفه‌های صوری از متون پیش از خود، با یکدیگر تداخل می‌یابند. بینامتنیت به رابطه میان متون بر یکدیگر اطلاق می‌شود. با وجود توجه ناقدان و پژوهندگان به رویکرد بینامتنیت در دهه اخیر، این رویکرد پیش از طرح اصطلاح بینامتنی در ادبیات ایران تجلی یافته است. از نمونه‌های بارز آن، تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان فارسی زبان از قرآن کریم است. بهره‌گیری از میراث دینی در شعر شاعران جایگاه ویژه‌ای دارد و نشانه ایمان به قرآن و درک و فهم آنان از این موضوع است.

بینامتنی با قرآن دارای گونه‌های متعددی است. گاه این تأثیرپذیری در عمق مفاهیم و مضامین شکل می‌گیرد و گاه در ساده‌ترین صورت آن، تضمین یک واژه، عبارت، اندیشه یا رویداد و در شکلی گسترده‌تر مجموعه‌ای از آیات است. این پژوهش در صدد است با نظر به رویکرد بینامتنیت، ضمن تعیین موارد کاربرد واژه‌ها، تعبیرات، ترکیبات، مفاهیم و مضامین قرآن کریم در شعر عزیزی، به تحلیل چگونگی کاربست آنها نیز پردازد.

ضرورت انجام تحقیق:

قرآن کریم به دلیل معانی عمیق و غنای واژگانی و ویژگی‌های خاص بلاغی و هنری از مهمترین و ارزشمندترین منابع مورد توجه شاعران است. از میان شاعران انقلاب اسلامی، عزیزی به جهت آگاهی از قرآن کریم، حجم گسترده‌ای از تلمیحات و اقتباس‌های گوناگون از قرآن را در شعر خود به کار برده است. به همین دلیل شایسته است که از دیدگاه بینامتنی به بررسی مشترکات لفظی و معنوی شعر عزیزی و قرآن کریم پرداخته شود.

پیشینه پژوهش:

پژوهش‌های بسیاری در زمینه بینامتنی قرآن کریم و آثار مختلف صورت گرفته است؛ از جمله مقاله «بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلّی و قرآن کریم» از

علی اصغر حبیبی (۱۳۹۲)، «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور» از فاروق نعمتی (۱۳۹۲)، «بینامتنی قرآن و نهج‌البلاغه در اشعار خیام نیشابوری و ابوالعلاء معری» نوشته قاسم مختاری و سحر محبی (۱۳۹۳)، «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر ابن یمین فریومدی» از جواد رنجبر و سجّاد عربی (۱۳۹۲)، «بینامتنی قرآنی در مقامات همدانی» از مهدی خرّمی و همکاران (۱۳۹۲)، «تجلی قرآن در شعر و ادب پارسی» از سیدمحمدحسن راستگو (۱۳۸۱)، «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سید حمیری» نوشته قاسم مختاری و غلام‌رضا شانقی (۱۳۸۹)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر» از فرامرز میرزایی و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸)، «بینامتنی در شعر شهریار» از وحید سبزیان-پور و پیمان صالحی (۱۳۹۰) و «بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم» اثر طیّبه سیفی (۱۳۹۱) و دیگر مقالات.

در خصوص اشعار احمد عزیزی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله کتاب تجلی قرآن کریم در شعر معاصر نوشته سیداحمد ذبیح (۱۳۹۰)، مقاله «تحلیل زیباشناختی سبک شعر احمد عزیزی بر اساس کتاب کفش‌های مکاشفه» اثر حسین آقاحسینی و زینب زارع (۱۳۹۰)، «تحلیل زیباشناختی آوایی و ساختار زبان شعر احمد عزیزی بر اساس کتاب کفش‌های مکاشفه» نوشته حسین آقاحسینی و زینب زارع (۱۳۸۹)، «کارکردهای هنری و بلاغی کنایه در کتاب کفش‌های مکاشفه احمد عزیزی» از منوچهر اکبری و صدیقه غلامزاده (۱۳۹۱)، «نگاهی به شعر احمد عزیزی» نوشته مریم شعبان‌زاده (۱۳۹۰) و مقالات دیگری در ارتباط با این موضوع؛ مقاله حاضر پژوهشی است با موضوع شعر احمد عزیزی و قرآن کریم از جهت بررسی رابطه بینامتنی.

بحث و بررسی

۱- نظریه بینامتنی

واژه بینامتنیت از یک اسم (text) و یک پیشوند (inter) و یک پسوند اسم ساز (ualite) ترکیب شده است (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶) بینامتنیت معادل اصطلاح

Intertextuality یکی از اصطلاحاتی است که در فرهنگ و ادبیات امروز زیاد به کار برده می‌شود. بینامتنیت به رابطه میان دو یا چند متن که در یک متن واحد حضور می‌یابند و یا پژواک آن شنیده می‌شود، اشاره می‌کند. این اصطلاح برای توصیف متون معینی که بر اثر نشت و نفوذ در یکدیگر و به سبب خاطرات مشترک، پژواک‌ها، نقل قول‌ها، استشهادها و جابجایی‌ها با هم ربط و پیوند آشکار یافته‌اند نیز، کارایی پیدا کرده است. مفهوم بینامتنیت بیانگر این مطلب است که تمام گونه‌های گفتاری و نوشتاری و تجسمی هر ملتی، بر اثر تأثیرات متقابل و با ارجاع به آنچه پیشتر وجود داشته، هستی می‌یابد. بینامتنیت به معنای ماحصل گفتگو و تعامل یک متن با متون دیگر، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری یک مؤلف از مؤلف دیگر و حضور انکارناپذیر یک متن در متون دیگر است. (قره باغی، ۱۳۸۱، صص ۳۸ و ۳۹) «بینامتنیت در ساده‌ترین حالتش به این معناست که متنی از متون و افکار گذشته دیگران چه خودآگاه و چه ناخودآگاه تضمین و اقتباس گردد؛ به گونه‌ای که این متون و اندیشه‌ها در متن اصلی ذوب شود و متنی جدید و کامل عرضه گردد» (خزعلی، ۲۰۰۹، ص ۶۴) و یا به تعبیری جذب عناصر و سازه‌های متون جدید از طریق ارجاعات، نقل قول‌ها، تلمیحات و سایر شیوه‌های اخذ محتوا و صورت از متن‌های پیشین.

روابط شبکه‌ای موجود در میان متن‌ها در مطالعات سنتی به صورتی کاملاً محدود و تنها در شکل نقل قول‌ها، سرقات ادبی، تلمیحات، تضمین، اقتباس و ... شناسایی می‌شد؛ در حالی که بخش پنهان و ارتباط میان‌متنی همچنان نادیده باقی می‌ماند و بخش‌های پنهان ارتباط متون با این شیوه‌ها قابل شناسایی نبود. تلمیحات، تضمین، اقتباس و ... دربرگیرنده بخشی از روابط ظاهری متون و از زیر مجموعه انواع بینامتنیت هستند. محققان بینامتنیت در صدد شناخت روابط پنهان و گسترده متون و رای تأثیر و تأثرات ظاهری برآمدند. در کل می‌توان گفت در مواردی مانند تلمیح، تضمین و اقتباس که در مطالعات سنتی مورد توجه بوده است، به عوامل تأثیر و تأثرات، اهداف شاعر و چرایی استفاده از متون گذشته توجه نمی‌شد. همچنین به استفاده هنری یا نقش خلاقیت شاعر

در بازآفرینی یک صحنه یا تصویر به تأثیر استفاده از تلمیح، تضمین و اقتباس، توجهی نمی‌شد. درحالی‌که در بینامتنیت به زمینه‌ها، روابط مؤثر در ایجاد ارتباط و چگونگی شکل‌گیری اثر، به تأثیر روابط بین آثار نیز پرداخته می‌شود.

در نگاه نظریه‌پردازان بینامتنیت هیچ آغازی وجود ندارد، همواره یا تداوم است یا تکرار، همواره یا دگرگونی است یا تقلید. اما تداوم، تکرار، دگرگونی یا تقلیدها بر چیزی از پیش موجود استوار می‌شوند. بنابراین هر نظریه و هر کنشی دارای یک گذشته است. اصول بینامتنیت بر همین گزاره‌های بالا شکل گرفته است. به عبارت دقیق‌تر، بر پایه اصل اساسی بینامتنیت هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و همواره متن‌ها بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند. همچنین، هیچ متنی، جریانی یا اندیشه‌ای به طور دفعی و بدون گذشته خلق و ایجاد نمی‌شود بلکه همیشه از پیش چیزی یا چیزهایی وجود داشته است. انسان نمی‌تواند هیچ چیز از هیچ بسازد یا از هیچ چیزی خلق کند بلکه باید تصویری (خیالی یا واقعی) از متنی وجود داشته باشد تا ماده اولیه ذهن او شود، تا او بتواند آن را همانگونه یا دگرگون شده بسازد. یا تصویری که دریافت کرده بازسازی کند و یا از تصاویر گوناگون، ترکیبی نوین بیافریند. (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ص ۲۷) «بینامتنیت مبتنی بر این اندیشه است که متن، نظامی بسته، مستقل و خود بسنده نیست. بلکه پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد. این متون ممکن است ادبی یا غیرادبی باشند، هم‌عصر همان متن باشند یا به سده‌های پیشین تعلق داشته باشند.» (مکاریک، ۱۳۹۰، ص ۷۲)

بینامتنیت به بررسی رابطه و تأثیر متنی پیشین یا زیرمتن (hypotext) که در زیرمتن تغییراتی ایجاد می‌کند و آن را شرح و بسط می‌دهد، اشاره دارد. (ساسانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹) زیرمتن یا پیش‌متن (پیش‌متن) متنی است که در خلق و آفرینش متون بعد از خود، اثرگذار است و پیش‌متن (پس‌متن) یا زیرمتن متن دوم است که یا برگرفته از متن اول (پیش‌متن) است و یا به نحوی از آن متأثر شده است.

۲- انواع بینامتنیت

از دیدگاه محققان و نظریه پردازان، این رویکرد دارای گرایش‌ها و انواعی است. انواعی که به ذکر آنها خواهیم پرداخت، گاه بر حسب نوع نگرش محققان بینامتنیت، گاه بر اساس نوع مطالعه روابط بینامتنی و گاه با توجه به چگونگی ارتباط دو متن تعیین و تعریف شده‌اند.

۲-۱- بینامتنیت صریح، پنهان و ضمنی

در یک تقسیم‌بندی، هم‌حضور متون بر سه شکل زیر است: (۱) بینامتنیت صریح و اعلام شده؛ که مؤلف متن دوم، قصد پنهان کردن مرجع متن خود یعنی متن اول را ندارد و می‌توان حضور متن اول را مشاهده کرد. نقل قول از این گونه بینامتنیت است. (۲) بینامتنیت غیر صریح و پنهان شده که مؤلف متن اول می‌کوشد مرجع بینامتن خود را پنهان کند. سرقت ادبی از این نوع است. (۳) بینامتنیت ضمنی که مؤلف قصد پنهان کردن متن مرجع را ندارد و به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که از طریق این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد. کنایات، اشارات و تلمیحات از این نوع‌اند. (نامور مطلق، ۱۳۸۶، صص ۸۸ و ۸۹)

۲-۲- بینامتنیت ضعیف و قوی

بینامتنیت ضعیف آن است که از محتوای متن دیگر بهره نبرده باشد و فقط از جنبه‌ی صوری، برگرفته از متن دیگر باشد؛ اما اگر این هم‌حضور علاوه بر صورت متن در محور مضامین و مفاهیم نیز دیده شود و در ابعاد گوناگون گسترده شود و فقط به تصویرپردازی محدود نشود، رابطه بینامتنی از نوع قوی است. (نامور مطلق، ۱۳۹۰، صص ۲۳۶ و ۲۳۷)

۲-۳- بینامتنیت درون‌نشانه‌ای و بیناننشانه‌ای

این نوع رابطه بینامتنی آثار را از جهت تعلق به نظام نشانه‌ای به دو نوع درون‌نشانه‌ای و بیناننشانه‌ای تقسیم می‌کند. آثار ادبی و هنری بسته به تعلق به یکی از انواع هنری کلامی (شعر، داستان، متن ادبی و ...) و تصویری (نقاشی و هنرهای تجسمی)

در نظام نشانه‌ای آن نوع هنری جای می‌گیرند. هنگامی که دو اثر مورد مطالعه متعلق به یک نظام نشانه‌ای (کلامی یا تصویری) باشند، روابط بینامتنی آنها درون‌نشانه‌ای است و اگر یکی از متن‌های محور مطالعه، متعلق به یک نظام نشانه‌ای؛ مثلاً کلامی باشد و متن دیگر متعلق به نظام نشانه‌ای دیگر؛ مثلاً تصویری باشد، روابط بینامتنی آنها بین‌نشانه‌ای است. (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ص ۳۱۸)

۲-۴- بینامتنیت درون فرهنگی و بینافرهنگی

در مطالعه میان متون، وقتی دو اثر متعلق به یک فرهنگ خاص هستند، رابطه آنها درون فرهنگی است ولی اگر متون مورد مطالعه از فرهنگ‌های متفاوت برخاسته باشند، به این نوع بینامتنیت، هم‌حضوری بینافرهنگی می‌گویند. (همان، صص ۳۱۷ و ۳۱۸)

۲-۵- بینامتنیت هم‌زمانی و درزمانی

رابطه بینامتنی میان گونه‌ها استوار بر دو نوع رابطه بینامتنی هم‌زمانی و درزمانی است. رابطه بینامتنی درزمانی مبتنی است بر اینکه گونه‌های ویژه، از امکانات گونه‌های دوره‌های گذشته برای گسترش خود بهره‌گیرند. گونه‌های پیشین منابع نیرومندی برای گونه‌های حاضرند و به مدد فرآیندهای ترکیب، دگرگونی، دخل و تصرف و ... منشأ دیگر گونه‌های ادبی هستند. به گفته تودروف گونه ادبی به مدد قانون وارونگی، یا به واسطه ترکیب، همواره دگردیس شده‌ای از یک یا چند گونه ادبی کهن است. متن امروزی مدیون شعر و رمان قرن بیستم است. همچنان که کمدی گریه‌آور ویژگی‌های کمدی و تراژدی قرن نوزدهم را با هم ترکیب کرده و به هم آمیخته است. (تودروف، ۱۹۷۶، ص ۱۶۱) بینامتنی هم‌زمانی بر تأثیرپذیری متون از متون هم‌عصر و نه پیشین خود تأکید دارد.

۲-۶- دیگر انواع بینامتنیت

در نظرگاه دیگری انواع زیر برای بینامتنیت ذکر شده است:

- ۱- بینامتنیت خودآگاه و ناخودآگاه؛ که از جهت میزان آگاهی شاعر و نویسنده به اخذ از پیش متن، به متن نگریسته می‌شود.

- ۲- بینامتنیت داخلی و خارجی؛ که بر اساس اخذ از آثار خود شاعر و یا نویسنده و یا آثار دیگران به متن نگریسته می‌شود.
- ۳- بینامتنیت موازی و معکوس؛ که از زاویه همراهی و عدم همراهی متن حاضر با متن غایب به متن نگریسته می‌شود.
- ۴- براساس موضوع؛ پیش متن به انواع ادبی، اسطوره‌ای، تاریخی؛ عامیانه، دینی و دیگر انواع قابل تقسیم است.
- ۵- از جهت فنی و هنری، رابطه بینامتنی شامل انواع: کامل متنی، کامل تعدیلی، اسلوبی، واژگانی، الهامی، اشاره‌ای، جزوی و چند سویه می‌شود. (حبیبی، ۱۳۹۲، ص ۳۲)

۳- انواع هم حضوری اشعار عزیزی و قرآن کریم

از میان انواع روابط بینامتنی که به آنها اشاره شد، اشعار عزیزی دارای روابط بینامتنی قوی، درون‌نشانه‌ای، درون فرهنگی، در زمانی و هم‌حضوری آشکار و ضمنی است؛ که به شرح آنها خواهیم پرداخت:

به دلیل بهره‌گیری از آیات و مفاهیم قرآن، هم در صورت و هم در معنا رابطه دو متن از نوع بینامتنی قوی است. عزیزی علاوه بر کاربرد واژه‌ها، ترکیبات و بخشی از آیات قرآن کریم در اشعارش، از مضامین و آموزه‌های اخلاقی و مذهبی آن نیز بهره گرفته است.

عزیزی نه تنها قصد پنهان کردن پیش متن مؤثر بر اشعار خود را ندارد، بلکه با به کار بردن نشانه‌هایی، پیش متن خود را آشکار می‌سازد. شیوه تأثیرپذیری عزیزی از قرآن کریم، اقتباس از مضامین و مفاهیم، نقل مستقیم آیات و عبارات و تلمیح و اشاره به ژرف‌ساخت‌ها و داستان‌های قرآن است. از اینرو رابطه دو متن، رابطه آشکار و گاه ضمنی است.

همچنین به سبب تعلق هر دو متن (پیش متن قرآن و پس متن عزیزی) به یک نظام نشانه‌ای (کلامی)، این دو متن دارای ارتباط بینامتنی درون‌نشانه‌ای هستند.

تعلق زیرمتن قرآن کریم به عصر تاریخی گذشته و تعلق زیرمتن اشعار عزیزی به دوران معاصر و تأثیرپذیری عزیزی از متنی با فاصله زمانی بسیار، نوع روابط دو متن را در بینامتنی درزمانی و درون فرهنگی جای می‌دهد. این مسأله مبین جایگاه منحصر به فرد قرآن کریم در میان متون دینی کهن است که با وجود گذشت قرن‌ها، به سبب ارزش بلاغی و محتوایی در آثار ادیبان معاصر، اهمیت خاصی یافته است. در عصر انقلاب، اشعار و نوشته‌های ادبی سرشار از مضامین قرآنی است و کمتر اثر ادبی است که رنگی از مفاهیم و مضامین قرآنی نداشته باشد.

اشاره صریح عزیزی به آیات و عبارات قرآن، از جلوه‌های هم‌حضور آشکار متن عزیزی و قرآن است. عزیزی افزون بر سود جستن از آیات و عبارات و واژگان قرآنی از مضامین و درون‌مایه‌های آن نیز بهره برده است؛ که بیانگر رابطه میان متنی ضمنی دو متن است.

از میان سایر انواع بینامتنیت، به سبب وضوح نوع ارتباط میان دو متن و نیز به جهت بررسی اشعار عزیزی از حیث فنی و هنری به شرح انواع هم‌حضور کامل متنی، کامل تعدیلی، جزئی، واژگانی، مفهومی و تلمیحی خواهیم پرداخت.

۳-۱- رابطه بینامتنی کامل متنی:

در این رابطه «تکیه بر متن کامل و مستقل است و دقیقاً همان متن اصلی بدون افزایش و یا کم و کاست در سیاق اولیّه و اصلی‌اش توسط آفریننده متن حاضر (پسامتن) به کار می‌رود. خواه این متن یک بیت باشد یا یک مصرع یا یک قصیده یا جمله‌ای نثری.» (حلبی، ۲۰۰۷، ص ۶۱)

یکی از ابعاد مورد بحث در رویکرد بینامتنیت، میزان انعکاس پیش‌متن‌ها در پس‌متن‌هاست. قرآن کریم که یکی از پیش‌متن‌های (زیرمتن) اصلی اشعار عزیزی است به اشکال متعددی در آن جلوه‌گر شده است.

یکی از روش‌هایی که عزیزی، به ایجاد ارتباط میان اشعار خود و متن قرآن کریم پرداخته است، کاربرد آیات کوتاه قرآن، بدون تغییر و کم و کاست و گاه با تغییرات

جزئی بدون ایجاد خلل در ساختار معنایی آیات است. منظور از این نوع ارتباط و تضمین، تبیین، تشریح، استناد به آیات و غنابخشی به شعر است.

در بیت زیر شاعر علاوه بر تبرک به آیه‌ای از قرآن، با تشبیه آیه قرآن به کوه که نماد عظمت است و بیان تقابل گنجشک (نماد ضعف و کوچکی) و عقاب (نماد بزرگی و قدرتمندی) نکته‌پردازی دقیقی کرده است و آن نیازمندی انسان به راهبر است.

زبرمتن: ای عقاب کوه الله الصمد از تو این گنجشک می‌خواهد مدد

(عزیزی، ۱۳۶۸، ص ۲۱)

زیرمتن آیه: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ» (سوره اخلاص، آیه ۲)

و در بیت زیر نیز قصد استناد به آیات قرآن را داشته است:

زبرمتن: نه من می‌گویم این بشنو ز قرآن که گر صدق است قل هاتوا به برهان

(عزیزی، ۱۳۷۳، ص ۵۲)

زیرمتن آیه: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» (سوره انبیاء، آیه ۲۴)

عزیزی در بیت زیر با استناد به ادله‌ای که حضرت ابراهیم (ع) در اثبات ناشایستگی هر چیزی جز خدای یگانه برای عبادت و ستایش اقامه کرده است، فناپذیری معشوق را دلیل برتری او بر دیگران می‌داند:

زبرمتن: همین باید به ذکرش پروراندن زبان لا أحبّ الأفلینی

(عزیزی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۶)

زیرمتن آیه: «قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَفْلِينَ» (سوره انعام، آیه ۷۶)

۳-۲- رابطه بینامتنی کامل تعدیلی:

در این نوع رابطه، «شاعر به متنی مستقل و کامل (خواه یک مصرع یا بیت یا یک قصیده و یا عبارت نثری) تکیه دارد. او این متن را از سیاقش جدا کرده و بعد از اعمال برخی ساختارشکنی‌های ساده و یا پیچیده، همچون کم و زیاد کردن، تقدیم و تأخیر اجزاء، تغییر زمان و صیغه افعال، تبدیل جملات انشایی به خبری و برعکس، آن متن را

در بافت متن شعر خود می‌نهد و از آن در جهت بیان اندیشه شعری جدید بهره می‌برد.» (حلبی، ۲۰۰۷، ص ۶۴)

شاعر به تناسب وزن و آهنگ کلام با اندک تغییری در آیات، متن کامل آنها را به کار برده است:

زبرمتن:

من همان بیتم که معمور آمدم من همان رقم که منشور آمدم

(عزیزی، ۱۳۸۲، ص ۶۴)

زبرمتن آیه: «وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» (سوره طور، آیات ۴-۱)

زبرمتن: بخوان پس این گدا طبعان دون را علی حبّه طعام يطعمون را

(عزیزی، ۱۳۷۳، ص ۵۳)

زبرمتن آیه: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلِي حُبّه مَسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أُسِيراً» (سوره انسان، آیه ۸)

این آیه بنا بر نظر مفسران در شأن عترت رسول خدا (ص) نازل شده است؛ در این معنا که: و طعام را درحالی که خود دوستش دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌خورانند. در نمونه فوق، شاعر آیه ذکر شده را با تغییراتی در ترتیب اجزای جمله در معنایی بر خلاف دلالت اصلی آن و در وصف انسان‌های دون طبع به کار می‌برد.

زبرمتن: آه ای صاحب خلق عظیم رحمتی فرما برین عظم رمیم

(عزیزی، ۱۳۸۲، ص ۳۵)

زبرمتن آیه: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (سوره قلم، آیه ۴) و آیه «مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ» (سوره یس، آیه ۷۸)

در بیت فوق، شاعر با اشاره به قسمت‌هایی از دو آیه قرآن، ترکیباتی وصفی می‌سازد که بیانگر اوصاف ممدوح و شاعر باشد. تغییرات صورت گرفته عبارتند از:

حذف بخشی از آیات، تبدیل کلمه خُلُق به خُلُق و تبدیل کلمه جمع العظام به شکل مفرد آن یعنی عظم.

۳-۳- رابطه بینامتنی اشاره‌ای (تلمیحی):

در این رابطه، شاعر به ذکر یک یا چند نشانه در کلام که خواننده را به متن غایب رهنمون سازد، اکتفا می‌کند و با الفاظی اندک معانی بسیاری را به ذهن خواننده می‌رساند. (حبیبی، ۱۳۹۲، ص ۴۷)

اشعار عزیزی، سرشار از این نوع رابطه بینامتنی است. اشاره به نام و داستان پیامبرانی که قصص آنها در قرآن ذکر شده، ایجاد کننده ارتباط اشاره‌ای میان پیش متن قرآن و پیش متن اشعار عزیزی است. در برخی از موارد به اشاره‌ای به نام پیامبران بسنده شده و در بسیاری از موارد دیگر شرح داستان نیز در طی چند بیت آمده است:

- داستان حضرت موسی (ع):

از میان داستان‌های قرآنی، داستان حضرت موسی (ع) بیشترین بسامد تکرار را در اشعار عزیزی دارد، زیرا این داستان در قرآن نیز بیش از سایر قصص به کار رفته است و زمینه خلق تصاویر و مضامین بیشتری در اختیار شاعر قرار می‌دهد. در سبک هندی نیز که مضمون‌سازی از اصول کاری شاعران بوده، از میان داستان‌های قرآنی، بیشترین توجه به داستان حضرت موسی (ع) شده است.

من به عیسی نان و حلوا داده‌ام	من به موسی منّ و سلوی داده‌ام
من همان ذکرم که ابراهیم گفت	و آنچه موسی در شب تکلم گفت

(عزیزی، ۱۳۸۲، ص ۶۴)

آه ای رعد خدا بر جان طور	نام تو یعنی حریم روح و نور
--------------------------	----------------------------

(همو، ۱۳۶۸، ص ۲۱)

تو به طور معرفت رو، نظری به شاه دین کن

که بسان موسی است او و تویی عصا اباالفضل

(همو، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

به داستان حضرت موسی(ع) در سوره‌های مؤمنون، طه، اعراف، شعرا، بقره، صافات و زخرف اشاره شده است. در آیات: «سَلَامٌ عَلَيَّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ» (سوره صافات، آیه ۱۲۰)، «وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (سوره بقره، آیه ۵۱)، «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ» (سوره غافر، آیه ۵۳) و آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره زخرف، آیه ۴۶)

- داستان حضرت نوح(ع)

از دیگر داستان‌هایی که عزیزی به کرات به آن اشاره کرده است، داستان حضرت نوح(ع) است که در اغلب موارد هدف ساخت تشبیهاتی با یادآوری داستان نوح و معجزات اوست:

نوح را قطب‌است و موسی را عصاست چون علی خود غوث راه انبیاست
(عزیزی، ۱۳۷۹، ص ۴۳)

ای به جسم موسی و عیسی تو روح ای وصی خاتم و ای جان نوح
(همان، ص ۳۲)

داستان حضرت نوح علیه‌السلام در شش سوره قرآن کریم (اعراف، هود، مؤمنون، شعرا، قمر، نوح) آمده است، که مفصل‌ترین آنها در سوره هود است. به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

«إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (سوره نوح، آیه ۱)

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِذْ لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ» (سوره هود، آیه ۲۵)

- داستان حضرت آدم و حوا:

شاعر به فراخور مفهوم سخن و با رعایت اصل همجواری واژگان دست به گزینش داستان‌هایی می‌زند که پرورش‌دهنده ذهنیات وی باشند. سخن از داستان آدم و حوا در هم‌نشینی واژگان باغ ازل، بهشت، زن و مرد مؤید منظور شاعر و دلالت خواننده به

تصویرات و تصویرسازی‌های ذهنی شاعر است. از آنجا که مفاهیمی چون گناه، از دست دادن موقعیت پیشین آدم و حوا در بهشت، توبه آدم، خلقت آدم و تحمل بار امانت و ... دست‌مایه‌های مناسبی برای شاعرانی چون عزیزی هستند تا مضامین عرفانی و دینی را به تصویر بکشند، طبیعی است در کل آثار وی این داستان به کرات به کار رفته باشد.

باغ ازل نگه کن یک آدم است و حوا آری بهشت اینجا با مرد و زن برآید
(عزیزی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴)

داستان حضرت آدم(ع) و حوا در سوره‌های طه، یس، اعراف و بقره آمده است:
«وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (سوره بقره، آیه ۳۵)

- داستان حضرت اسماعیل(ع):

عزیزی به تناسب مضمون و مقصود از داستان‌های قرآنی بهره می‌گیرد. داستان حضرت اسماعیل(ع) را اغلب در مقام تشبیه و تمثیل به جهت بیان مظلومیت و نماد جوانی قربانی شده در راه هدف به کار گرفته است و با توجه به تناسب زیاد قربانی شدن، دست از جان و عزیزترین سرمایه شستن - در ارتباط با اسماعیل و ابراهیم - با زمینه عرفانی شعر عزیزی، این داستان بسآمد قابل توجهی در اشعار وی دارد.

نه اسماعیل این بالا ندارد چنین تاجی به سر یحیا ندارد

(همو، ۱۳۸۱، ص ۲۰)

این داستان در سوره‌های صافات، مریم، توبه، بقره، ابراهیم، انبیاء، آل عمران و انعام آمده است.

- داستان حضرت عیسی(ع):

به جنب عیسی مریم نگاه کن شیعه امام ما به جماعت به بارگاه رسید

(همو، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲)

«وَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ...» (سوره بقره، آیه ۲۵۳)

داستان حضرت عیسی(ع)، در سوره‌های مائده، مریم، بقره و آل عمران اشاره آمده است.

- داستان حضرت یوسف(ع):

در اشعار عزیزی به این داستان به کرات اشاره شده و شاعر به فراخور مفهوم و پیام بیت از جنبه‌های متفاوت داستان از جمله رنج دوری و فراق حضرت یعقوب(ع)، ارتباط زلیخا با داستان، حسادت و عداوت برادران یوسف(ع)، از چاه برآمدن، بردگی و فروش حضرت یوسف(ع) و سایر حوادث زیباترین داستان قرآن، سود جسته است: مرا با معنی یعقوب خوان لفظ زلیخا را که عطر یوسفم نسبت به بوی پیرهن دارم (عزیزی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳)

زخم زلیخا زده گل بر تن سوره یوسف شده پیراهنش

(همو، ۱۳۷۲، ص ۷۸)

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ الْفَهْمُ وَجْهَهُ فَارْتَدَّ بِصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (سوره یوسف، آیه ۹۶)

- داستان حضرت سلیمان(ع)

تا چند چون موران جوران ملخ آریم رو بلقیس عشرت را بگو حکم سلیمان آمده (همو، ۱۳۷۹، ص ۲۸)

داستان حضرت سلیمان(ع) در چند سوره قرآن از جمله نمل و عنکبوت آمده است:

«وَحَشِيرٍ لِّسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يوزَعُونَ» (سوره نمل، آیه ۱۷)

- سایر داستان‌های قرآن:

عزیزی در اثنای کلام خود و خاصه در مثنوی «شب‌نم‌های شبانه» به بسیاری از داستان‌های قرآنی (داستان حضرت ابراهیم(ع)، حضرت یونس(ع)، حضرت هود(ع)، حضرت داوود(ع) و . . .) پرداخته است که به ذکر یک مورد از هر کدام بسنده می‌شود: خضر نام من به صحرا می‌برد موسی از من ره به دریا می‌برد

آن نهنگم من که در بحر وجود یونسَم از کام ماهی در ربود
 من همان شیشم که سوی هود رفت من همان شرحم که بر داوود رفت
 (عزیزی، ۱۳۸۲، ص ۶۷)

من همان ذکرَم که ابراهیم گفت و آنچه موسی در شب تکلیم گفت
 (همان، ص ۶۴)

۳-۴- رابطه بینامتنی الهامی و مفهومی

برای ایجاد این نوع ارتباط، «شاعر مایه اصلی سخن خویش را از مفهوم و یا نکته‌ای اخذ می‌کند و در پردازش سخن به گونه‌ای عمل می‌نماید که خواننده آگاه به متن غایب پس از خواندن آن پیوند مفهومی و مضمونی میان زیر متن و زیرمتن را احساس نماید». (حلی، ۲۰۰۷، صص ۷۳-۷۲) در شعر عزیزی موارد بسیاری از این نوع رابطه بینامتنی دیده می‌شود. شاعر با اشاره به مفهوم آیات قرآن، افزون بر توصیف مراتب و درجات مقام ممدوح، آیاتی از مصحف شریف را در ذهن تداعی می‌کند:

پس متن: ای ملائک بر سلامت صف زده عرش بر دامان تو رفرف زده
 (همو، ۱۳۷۳، ص ۲۵)

پیش متن آیه: «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًا صَفًا» (سوره فجر، آیه ۲۲) و «مُتَكِينٍ عَلِي رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ» (سوره رحمان، آیه ۷۶)

پس متن: شهیدی بر جمال حق نظر کرد که خاک کربلا کحل بصر کرد
 (همو، ۱۳۸۱، ص ۱۹)

نظر کردن شهید به جمال حق، مفهومی است که از آیات زیر دریافت می‌شود:
 پیش متن آیات: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ * إِلَيَّ رِبَّهَا نَاطِرَةٌ» (سوره قیامت، آیات ۲۲ و ۲۳)
 حضرت امام خمینی (ره) با استناد به این آیه و احادیثی در این باب فرمودند: شهید نظر می‌کند به وجه الله.

پس متن: چون محمد روح مطلق با علی است آه ای باطل برو حق با علی ست
 (همو، ۱۳۷۹، ص ۴۸)

پیش‌متن: آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» (سوره اسراء، آیه ۸۱)

در مثنوی مناجات امواج، عزیزی مفهوم و شرح داستان حضرت موسی (ع) را به گونه‌ای بیان کرده است که دقیقاً مطابق با آیاتی از سوره اعراف در شرح حالات و وقایع ایشان است. او نور عشق حضرت علی (ع) را با نور حق برابر دانسته است و با این جایگزینی و تبدیل، به توصیف حالات حضرت موسی (ع) هنگام تجلی نور حق بر وی پرداخته است. در این نوع تبدیل، شاعر با خلاقیت، زمینه را نگاه می‌دارد و متن را تغییر می‌دهد که موضوع وصف اوست و با این کار خود به خود، مضامین قابلیت نمادین شدن پیدا می‌کنند و در ضمن وصف، وصف شونده بر موضوع اصلی برتری داده می‌شود:

پس‌متن:

آتش طور است کز راه آمده ست	معنی انی انا الله آمده ست
موسی آن شب کز بیابان نور دید	شعله عشق علی در طور دید
آتش عشق علی در طور زد	طور در رقص آمد و طنبور زد
موسی از نور علی در خاک شد	طور در رقص آمد و چالاک شد
طور را نور علی در برگرفت	صاعقه در جان موسی درگرفت
برق زد ذات علی ذوالجلال	بر درخت طور آمد اشتعال

(عزیزی، ۱۳۷۹، ص ۴۳)

پیش‌متن آیه: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبُّنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَانِي وَلَكِنْ انظُرْ إِلَيَّ الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره اعراف، آیه ۱۴۳)

۳-۵- بینامتنیت اسلوبی و سبکی

در این رابطه، شاعر با الگوگرفتن از ساختار زبانی و بیانی قرآن، سخن خود را بر اساس ساخت و بافت آن طرح‌ریزی می‌کند. (راستگو، ۱۳۸۵، ص ۷۰) عزیزی به دلیل

آشنایی با قرآن کریم در برخی موارد در سبک و اسلوب نگارش نیز از قرآن تأثیر پذیرفته است. موارد تأثیرپذیری سبکی وی عبارتند از:

۳-۵-۱- بهره‌گیری از کلمات آهنگین پایان آیات قرآن

بهره‌گیری از کلمات مسجّع پایان آیات قرآن، در قافیۀ اشعار، با کاربست واژه‌های قرآنی به عنوان واژه‌های قافیه از ویژگی‌های شعری عزیزی و مبین ارتباط میان‌متنی اسلوبی پیشامتن قرآن کریم و پسامتن اشعار عزیزی است. در بیت زیر شاعر از واژه پایانی سوره مسد و واژه‌های سجع‌ساز سوره‌های «یس» و «قلم» در ساخت قافیه استفاده کرده است. عزیزی بسان شاعرانی؛ چون مولوی، امکانات بیشتری برای خلق قافیه و به صورتی موجز، جای دادن مضمونی گسترده در فشرده‌ترین شکل (در یک بیت) به دست آورده است و این امر به قدری در آثار او بسامد دارد که از ویژگی‌های سبکی او محسوب می‌شود:

پس‌متن: یا علی شیر خدا شبل الاسد باز کن از گردنم حبل مسد

(عزیزی، ۱۳۸۲، ص ۶۱)

پیش‌متن: آیه فی جیدها حبلٌ من مسد (سوره مسد، آیه ۵)

پس‌متن: بر سر یاسین چه آمد ای عمیم تو علی را دان صراط مستقیم

(همان، ص ۶۳)

آه ای صاحب خلق عظیم رحمتی فرما برین عظم رمیم

(همان، ص ۳۵)

پیش‌متن آیه: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (سوره قلم، آیه ۴) و آیه «مَنْ يُخَيِّرِ الْعِظَامَ وَ

هِيَ رَمِيمٌ» (سوره یس، آیه ۷۸)

۳-۵-۲- ترکیب قصص و داستان‌ها

از ویژگی‌های داستان‌پردازی قرآن این است که داستان و رویدادهای مربوط به پیامبران را به طور خلاصه در یک سوره یا چند آیه می‌آورد. عزیزی نیز از این روش بهره گرفته و با اشاره به نام چند تن از پیامبران در یک بیت، یادآور هم‌زمانی داستان

آن‌هاست. در این شیوه، به دلیل استفاده از چند داستان در عرض یکدیگر، ایجاز در نهایت کاربرد است و به تبع آن دایره تفسیر گشوده می‌شود و بار معنایی در ارتباط‌های مختلف بینامتنی فزونی می‌یابد:

تلمیح ترکیبی:

ای به جسم موسی و عیسی تو روح ای وصی خاتم و ای جان نوح
(عزیزی، ۱۳۷۹، ص ۳۲)

اشاره هم‌زمان به داستان حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت نوح (ع) در سوره مؤمنون آیات بیست تا پنجاه آمده است.

هم موسی اقلیم را، هم عیسی تعلیم را هم جان ابراهیم را، افکنده این آذر علی
(همان، ص ۲۱)

در سوره صافات آیات ۱۷۵-۱۴۷ به داستان حضرت داستان حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت اسماعیل (ع) و چند تن از پیامبران دیگر اشاره شده است.

۳-۶- رابطه بینامتنی جزئی

در این رابطه، شاعر با کاربست عبارات و جملات پیش‌متن، ذهن خواننده را به متن منعکس شده در سخن خود معطوف می‌سازد. گاه شاعر «با تکیه یر متن مورد اقتباس بخش‌هایی از عبارات و جمله‌ها، شبه جمله‌ها و . . را از آن برش می‌زند و در بافت متن خویش به کار می‌بندد. البته در مواردی نیز این فرآیند به صورت ناخودآگاه رخ می‌دهد.» (حلبی، ۲۰۰۷، ص ۶۷) در سروده‌های عزیزی رابطه بینامتنی جزئی به دو شکل زیر دیده می‌شود:

۳-۶-۱- جمله‌های کوتاه قرآنی

عزیزی در تبیین، توضیح، تعلیل و استناد سخنان خود پیوسته اشعارش را با جملات کوتاه قرآنی می‌آراید. جمله‌هایی که از بافت آیه‌ای کامل جدا شده و با پیوستن به متن شعر، افزون بر یادآوری آیه قرآن، در همنشینی با عناصر سازنده جمله، مکمل

مفهوم سخن نیز هست. به نمونه‌هایی از این نوع کاربرد اشاره می‌شود. در بسیاری از این‌گونه موارد و نیز در استفاده از عبارات قرآنی، توجه خاص عزیزی به استفاده از امکاناتی برای قافیه‌سازی ملاحظه می‌شود؛ اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، تلاش شاعر برای غنا بخشیدن به شعر، با استفاده از ظرفیت‌های واژگان و ترکیبات قرآنی است:

پسامتن: ما همه ابن السبیلیم ای حبیب مضر عشقیم ما، امن یجیب

(عزیزی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۸)

پیشامتن آیه: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (سوره نمل، آیه ۶۲)

پسامتن: شهی کو شهنشاهی اش مطلق است که بر رایش نقش جاء الحق است (همو، ۱۳۷۹، ص ۳۴)

پیشامتن آیه: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» (سوره اسراء، آیه ۸۱)

پسامتن: غروب خون، خسوف ماه اینجاست که کل شیء احصیناه اینجاست

(همو، ۱۳۷۳، ص ۴۷)

پیشامتن آیه: «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ

فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (سوره یس، آیه ۳۶)

پسامتن: نگر ز آینه «یدخلون افواجا» به عزم فتح مبین لشکر اله رسید

(همو، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲)

پیشامتن آیه: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (سوره نصر، آیه ۲) و آیه

«نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» (سوره صف، آیه ۱۳)

۳-۶-۲- عبارات قرآنی:

در رابطه بینامتنی جزئی، جز کاربرد جملات کوتاه، وجود عبارات قرآنی نیز دال بر این ارتباط میان متنی است. عزیزی در سروده‌های خود به زیبایی از عبارات قرآنی بهره گرفته است:

پسامتن: معجز شق القمر ابروی تو لیلۃ الاسرای ما گیسوی تو

(همو، ۱۳۷۳، ص ۲۶)

پیشامتن آیه: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ» (سوره اسراء، آیه ۱)

پسامتن: گرد ردّ الشمس بر شد ناگهان در فلک شقّ القمر شد ناگهان (عزیزی، ۱۳۷۹، ص ۵۰)

پیشامتن آیه: «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» (سوره قمر، آیه ۱)

پسامتن: ای همه والشمس تو، واللیل تو کاروان را سید سر خیل تو (همو، ۱۳۸۲، ص ۳۲)

پیشامتن آیه: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا» (سوره شمس، آیه ۱) «وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى» (سوره الليل، آیه ۱)

پسامتن: آینه رحمان و تبسم رحیم سرو قد سبز الف لام میم (همو، ۱۳۷۲، ص ۷۸)

پیشامتن آیه: عبارت «الم» در ۲۹ سوره از سوره‌های قرآن.

۳-۷- رابطه بینامتنی واژگانی

در این شیوه «شاعر یا نویسنده در به کارگیری برخی واژه‌ها و فعل‌ها و ترکیبات وامدار متنی و یا اثری دیگر است». (راستگو، ۱۳۸۵، ص ۱۵) به گونه‌ای که می‌توان آن واژه‌ها را مختصّ متن غایب یا همان پیش متن دانست. به دلیل ویژگی زبان شعری عزیزی در ساخت ترکیبات نو و مضمون‌آفرینی و آشنایی شاعر با متن قرآن کریم، وی در ساخت ترکیبات و مضامین از واژه‌های قرآنی بسیار بهره گرفته است. در پس متن اشعار عزیزی، موارد بی‌شماری از کاربرد واژه‌های قرآنی شامل: افعال، ترکیبات وصفی، ترکیبات اضافی، اسامی سوره‌های قرآنی، نام کتب مقدّس ذکر شده در قرآن و سایر واژگان برگرفته از مصحف شریف دیده می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که در این رابطه بینامتنی نیز استفاده از ظرفیت‌های قرآنی برای قافیه‌سازی مشهود است و البته ایجاز ناشی از کاربرد واژگان قرآنی، از مختصّات سروده‌های اوست.

۳-۷-۱- افعال

کاربرد افعال قرآنی، از دیگر وجوه وامگیری عزیزی، از زیرمتن قرآن کریم است. شاعر با آوردن یک فعل کلیدی از آیه، متن آیه را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند؛ نظیر ابیات زیر:

بین چسان کوس سلونی می‌زند طبل بام فاعبدونی می‌زند
(عزیزی، ۱۳۷۹، ص ۴۸)
«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» (سوره انبیاء، آیه ۲۵)

ای به سر نون جهان کاف تو بند وجود و عدم از ناف تو
(همو، ۱۳۷۲، ص ۳۱)
«إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (سوره یس، آیه ۸۲)

۳-۷-۲- ترکیبات

در بسیاری از موارد، سود جستن از متن قرآن کریم، از طریق کاربرد ترکیبات وصفی و اضافی است که شاعر به جای ترکیبات معمول در زبان فارسی، به آنها استناد می‌جوید تا افزون بر ایجاد آرایه حسن تعلیل و تشبیه، تصاویر ذهنی خود را روشن‌تر بیان نماید. ترکیباتی؛ نظیر دابة الارض، روح الامین، رحمة للعالمین، خلق عظیم و ... این ترکیبات با دو عنوان ترکیبات وصفی و اضافی قابل تفکیک هستند.

الف) ترکیبات اضافی

اگر صحرای محشر را کنی فرض نباشد جز علی یک دابة الارض
(همو، ۱۳۷۹، ص ۵۸)
«وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» (سوره نمل، آیه ۸۲)

بخوان، ما حاصل روح الامینیم کتاب سرمدی اوراق دینیم
(همو، ۱۳۷۳، ص ۵۳)

«نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (سوره شعرا، آیه ۱۹۳)

بر سرش تاج شهنشاهی بود هر که را تیغ یداللهی بود

(عزیزی، ۱۳۷۹، ص ۴۵)

«إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (سوره فتح، آیه ۱۰۱)

نیستم اما تو در هستم بگیر رحمة للعالمین دستم بگیر

(همو، ۱۳۸۲، ص ۳۵)

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (ای پیامبر). ما تو را فرستادیم تا رحمتی بر اهل

عالم باشی. (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷)

ب) ترکیبات وصفی

عزیزی، از جمله شاعرانی است که در آفرینش سروده‌های خود، بویژه در وصف

مقام ائمه اطهار و بزرگان دین، عامدانه به ذکر اوصاف آمده در متن قرآن کریم،

می‌پردازد:

یا علی شیر خدا شبل المسد باز کن از گردن این جبل مسد

(همان، ص ۶۱)

«فِي جِدِّهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ» (سوره مسد، آیه ۵)

من همان نورم که از طور آدمم چون شهاب ثاقب از دور آدمم

(همان، ص ۶۳)

«إِلَّا مَن خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ» (سوره صافات، آیه ۱۰)

۳-۷-۳- نام سوره‌های قرآن

کاربرد واژه های قرآنی در شعر عزیزی به آنچه اشاره شد، محدود نمی ماند. ذکر

نام سوره های قرآنی در اثنای سخن و حتی بهره گیری بلاغی از نام سوره ها به منظور

ساخت تشبیه با مشبّه به قرار دادن نام سوره های قرآنی زاده ذهن خلّاق عزیزی است:

چیست جهان سوره ای از عنکبوت چاره عارف چه بود جز سکوت

(همو، ۱۳۷۲، ص ۶۳)

صفحه آینه با میل بخوان	نیمة شب سورة واللّیل بخوان
ای تکلم کرده با روح الامین	(عزیزی، ۱۳۷۲، ص ۵۸۸)
خدا نسل زمین را دوست دارد	دختر تجریدی زیتون و تین
	(همو، ۱۳۷۳، ص ۲۵)
	خدا زیتون و تین را دوست دارد
	(همو، ۱۳۷۶، ص ۳۵)

۳-۷-۴- نام کتب مقدّس ذکرشده در قرآن

خیز بین آینه عریان شده ست	صحن چمن آیه قرآن شده ست
شیعه من ارمیا و اشعیاست	(همو، ۱۳۷۲، ص ۷۸)
قشنگ است تورات تمثیل تو	زآنکه در تورات، نام ایلیاست
	(همو، ۱۳۸۲، ص ۶۷)
	چه زیاست باغات انجیل تو
	(همو، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵)

۳-۷-۵- واژه‌های متضاد و متقابل

در متن قرآن کریم گاه واژه‌های متقابل و متضاد در کنار هم به کار رفته‌اند. عزیزی به پیروی از این شیوه سبکی قرآن، واژه‌های متضاد قرآنی را در یک بیت آورده است:

- ارض و سماء

چشم فلک خونفشان، جنّ و ملک نوحه خوان

اشک دو عالم روان، نوبت ارض و سماست

(همو، ۱۳۸۱، ص ۲۴)

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» (سورة طلاق، آیه ۱۲)

- یسار و یمین

در متن قرآن کریم واژه یمین در تقابل با واژه شمال به کار رفته است و عزیزی در

ایجاد این نوع از ارتباط میان متنی دست به تراگونگی و تغییر زده و این واژه را در مقابل واژه یساربه کار برده است:

ای حامی سلطان دین هم در یسار و هم یمین

کوبد عمود آهنین بهر چه ظالم بر درت

(عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۲۹)

«وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ» (سوره واقعه، آیه ۲۷)

- انس و جن

حق ز نور من جهان را آفرید و ز پی من انس و جان را آفرید

(همو، ۱۳۸۲، ص ۶۳)

صافیان جنّ و انس اینگونه‌اند نفس‌های مطمئن اینگونه‌اند

(همو، ۱۳۷۲، ص ۶۸۵)

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره ذاریات، آیه ۵۶)

۳-۶-۷- سایر واژگان قرآنی

حجم گسترده‌ای از واژگان قرآنی در شعر رضوی دیده می‌شود. واژه‌هایی نظیر عدن، طهورا، صمد، رفر، میزان، برهان، صراط، منهج، سراج و... این واژه‌ها شامل اسم-ها و صفت‌هایی هستند که به ذکر نمونه‌هایی معدود از هر کدام خواهیم پرداخت:

- عدن: زبانه‌های دوزخ چه غم که با ولایت

به بهشت عدن بینی طیران ما ابالفضل

(همو، ۱۳۸۱، ص ۲۸)

«جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا» (سوره مریم،

آیه ۶۱)

- ابتر: بی تو دلم طعنه ابتر شده چشم من از هجر تو کوثر شده

(همو، ۱۳۷۹، ص ۷۳)

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ الْكَوْثَرُ» (سوره كوثر، آیات ۳-۱)

- طهورا: قفل گل را نام تو وا می کند نام تو می را طهورا می کند

(عزیزی، ۱۳۷۳، ص ۲۶)

«غَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (سوره انسان، آیه ۲۱)

- صمد: زاهدا گر ابروی او بینی به محراب دعا

از صد صمد دل می کنی از بهر آن یکتا صمد

(همو، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹)

- صف زده: ای ملائک بر سلامت صف زده عرش بر دامان تو رفر ف زده

(همو، ۱۳۷۳، ص ۲۵)

«جَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا صَفًّا» (سوره فجر، آیه ۲۲)

- رفر ف: ای ملائک بر سلامت صف زده عرش بر دامان تو رفر ف زده

(همان، ص ۲۵)

«وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (سوره فجر، آیه ۲۲) و آیه «مُنْكِئِينَ عَلِي رَفْرَفٍ خُضْرٍ

وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ» (سوره رحمان، آیه ۷۶)

- میزان و برهان: از چه می گویی سخن میزان منم

وز چه می جنبی دهن، برهان منم

(عزیزی، ۱۳۸۲، ص ۶۴)

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره

حدید، آیه ۲۵)

- صراط، منهج، سراج، جهاد و حج:

من صراطم، من سراجم، منهجم من نمازم، من جهادم، من حجج

(همان، ص ۶۳)

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا...» (سوره بقره، آیه ۱۸۹)

«وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا» (سوره نبا، آیه ۱۳)

- نوم: ای به حقیقت پدر قوم ما یقظه بغرما که رود نوم ما

(عزیزی، ۱۳۷۹، ص ۱۰)

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (سوره بقره، آیه ۲۵۶)

- ماء و طین: بین در این مصیبت ماء و طین را به گردش پرپر روح الامین را
(همو، ۱۳۷۳، ص ۵۸)

«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» × «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (سوره سجده، آیات ۷ و ۸)

- سلاسل: که از جا کند آن بند و سلاسل هبل افکنند از بام هلاهل

(همو، ۱۳۷۹، ص ۵۹)

«إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا» (سوره انسان، آیه ۴)

نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل اشعار عزیزی و مقایسه آنها با متن قرآن کریم، درمی یابیم که عزیزی به دلیل آگاهی کامل از پیش متن قرآنی، به نیکویی توانسته است، قرآن را وارد بافت شعری خود کند. او با بهره گیری از روح قرآن، افزون بر پربار نمودن بیان احساس شاعرانه خود، به اهداف تعلیل، تشبیه، استناد و ارائه روشن تر تصاویر ذهنی خود دست یافته است. وی توانسته است بهترین شکل مناسبات میان متنی و نوع بینامتنی قوی را با پیش متن خود برقرار کند و تقریباً از اغلب انواع روابط بینامتنی اعم از آشکار، ضمنی، درون فرهنگی، درون نشانه ای، درزمانی، خودآگاه، بینامتنی کامل متنی، کامل تعدیلی، الهامی، جزئی، واژگانی و تلمیحی بهره گیرد.

از این میان، نوع رابطه بینامتنی تلمیحی و واژگانی پر بسامدترین نوع مناسبات اشعار وی با مصحف شریف است و در تمام آثار او تأثیرپذیری او از قرآن کریم جلوه گر شده است؛ خاصه مثنوی‌هایی که به مداحی و منقبت ائمه اطهار علیهم‌السلام اختصاص یافته نسبت به دیگر آثار وی، روابط میان متنی قوی‌تری با قرآن کریم برقرار نموده‌اند.

کاربرد آیات و الفاظ قرآن در شعر عزیزی، با کمترین تغییر در حوزه لفظی و معنایی صورت گرفته است؛ اما در کنار انواع مناسبات میان متنی ذکر شده، در برخی موارد تراکونگی آگاهانه نیز وجود دارد. عزیزی از طریق کاهش، جابجایی، تبدیل و تغییر صورت برخی واژه‌ها و در اندک مواردی با ایجاد تغییر در مفهوم و محتوای آیات به نوعی تراکونگی آگاهانه دست یافته است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- راستگو، محمد (۱۳۸۵)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- عزیزی، احمد (۱۳۷۹)، از ولایت باران، تهران، انتشارات سروش.
- ۴- ----- (۱۳۷۶)، خوابنامه، تهران، نشر برگ.
- ۵- ----- (۱۳۸۱)، خورشید از پشت خیزران، تهران، انتشارات سروش.
- ۶- ----- (۱۳۸۲)، شبنم‌های شبانه، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی اباصالح - حیان.
- ۷- ----- (۱۳۶۸)، شرحی آواز، تهران، نشر برگ.
- ۸- ----- (۱۳۷۳)، عطر گل یاس، تهران، انتشارات ناطور.
- ۹- ----- (۱۳۸۶)، قوس غزل، تهران، نشر کتاب نیستان.

- ۱۰- عزیزی، احمد (۱۳۶۹)، کفش‌های مکاشفه، تهران، انتشارات الهدی.
- ۱۱- ----- (۱۳۷۲)، ملکوت تکلم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۲- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۰)، دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران، نشر آگه.
- ۱۳- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰)، درآمدی بر بینامتنیت، تهران، نشر سخن.

ب) مقالات:

- ۱- حبیبی، علی اصغر (۱۳۹۲)، «بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلّی و قرآن کریم»، علوم قرآن و حدیث، پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال اول، شماره ۴، صص ۶۲-۲۷.
- ۲- حلبی، احمد طعمه (۲۰۰۷)، «اشکال التناص الشعری شعر البیاتی النموذجاً»، مجله الموقف الادبی، العدد ۴۳۰، صص ۸۳-۶۰.
- ۳- خزعلی، انسیه (۲۰۰۹)، «التناص الدینی فی الادب اللبانی المعاصر»، مجله العلوم الانسانیة الدولية، العدد ۱۶، صص ۸۹-۶۱.
- ۴- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۳)، «بینامتنیت: پیشینه و پسینه نقد بینامتنی»، نشریه بیناب، شماره ۵ و ۶، صص ۱۸۵-۱۷۲.
- ۵- قره‌باغی، علی اصغر (۱۳۸۱)، «بینامتنیت (واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی)»، گلستانه، اسفند، شماره ۴۷، صص ۴۳-۳۸.
- ۶- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶)، «ترامتنیت: مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، صص ۹۸-۸۳.